

احراز هویت

از: سعید بیاتی



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

احراز هویت یا تعیین و تشخیص این که سخن فردی که مدعی داشتن نام و نام خانوادگی خاصی است، با واقعیت مطابق است و او حق دارد ذیل مدارک و اسناد رسمی را امضاء کند، یا نه، همواره از مهم‌ترین و از دیدگاه سردفتر مخاطره آمیزترین بخش شکل‌گیری یک سند رسمی است؛ چه این بخش پاشنه آشیل یا چشم اسفندیار دفترخانه محسوب می‌گردد و متأسفانه به کرات ملاحظه شده است زمانی که شخصی با جعل عنوان، خود را به جای دیگری معرفی و اقدام به امضای ذیل مدارک و اسناد رسمی می‌کند و موضوع منجر به شکایات و طرح دعوا در مراجع قضایی می‌گردد، یکی از سئوالات در مراجع قضائی این است که به چه علت سردفتر از فروشنده معرف طلب نکرده است؟

این برداشت بعضی از مراجع قضایی یا اداری از قانون دلیل سوء نیت سردفتر محسوب شده و باعث محکومیت سردفتران می‌گردد. بدیهی است در دوره‌ای که علوم مختلف اعم از پزشکی، نظامی و شاخه‌های وابسته به آن‌ها پیشرفت بسیار کرده است به نحوی که در رشته ژنتیک همسان سازی موجودات زنده و پدید آوردن دو موجود شبیه به یکدیگر عملاً ممکن گشته است و به علاوه دوقلوهای همسان و همزاد و بسیاری بوجود آمده‌اند، امر احراز هویت مراجعان از سوی سردفتر مطمئناً کاری است بغایت مشکل.

شماره ۱۱ هفته‌نامه ایران جوان مورخ مهرماه ۱۳۷۶ در خصوص شباهت دوقلوهای

همسان مطلبی دارد که خواندنی است: «در شباهت دوقلوهای همسان به یگدیگر همین بس که سگ نژاد بلاد هوند که تیزترین شامه‌ها را دارد و از هر انسانی بوی خاصی می‌فهمد قادر به تشخیص بوی دوقلوهای حقیقی نیست». دوقلوهای همسان از نظر خصوصیات کاملاً وابسته به ژن مانند جنس، رنگ چشم و گروه خونی همانند یکدیگر و از نظر ساختمان پروتئین‌های بدن نیز یکسانند، به طوری که پیوند پوست دوقلوه‌ها به یکدیگر با موفقیت انجام می‌گیرد^(۱) و در این حال، تکلیف سردفتر در تشخیص هویت این افراد چیست؟

از سوی دیگر با شبیه سازی عکس‌های کامپیوتری و نیز آرایش افراد به شکل فرد اصلی بسیاری از داستان‌های مهیج جاسوسی در طول جنگ سرد شکل گرفته است که از آن جمله می‌توان به تعویض مأموران بازرسی سازمان ملل متحد با عوامل دولت شوروی سابق در مأموریت بازرسی از مناطق و تأسیسات اتمی آمریکا در سالهای گذشته نام برد که پس از سالها مأموران امنیتی غرب متوجه این تغییر و جازدن و تبدیل افراد گردیدند. نحوه تشخیص افراد فرایندی روانی است که با تطبیق عکس و ملحق کردن آن به شناسنامه، این یگانه سند هویت و تابعیت با چهره که می‌تواند "زیبا و گلرنگ یا زرد و رنگ پریده و یا روشن و نیز مواز «حیث» رنگ، کلفتی و نازکی، تمام طلایی یا قسمتی طلایی، مجعد، تابدار، موجی و چگونگی آرایش سر، چشم (رنگ مردمک) متورم، ریز، درشت، ابرو، مایل به بالا و پایین، پرپشت یا پیوسته، کمانی، موجی، افقی، موی کلفت یا نازک یا دراز آرایش شده. بینی کوچک، بزرگ، پهن، عقابی، کشیده، کلفت. ریش ... سیبل، چانه، کوچک، بزرگ، مربعی، دارای چانه زنخ‌دان دوبله، پهن، کمانی، صورت، دراز، گرد، مربعی، گلابی شکل، چاق، لاغر، گردن ... لب، کلفت، نازک، پف‌کرده، لب‌پایینی افتاده. لب بالا برگشته، دهان، فراخ، کوچک، گوشه‌ها افتاده یا بالا رفته باز، کج،

۱- این افراد را همسان نیز نامیده‌اند. "نوزده جفت دو همشکمان یکسان مورد سنجش قرار گرفتند در قیافه و اندام صفات بدنی دیگر هر یک کاملاً مثل دیگری بود (مان، نورمان ل، اصول روانشناسی، ترجمه محمود صناعی، چاپ دوازدهم، تهران، مه‌ارت، ۱۳۷۰، ص ۴۷).

کج شدن موقع تکلم و خنده. گوشها ... پیشانی" (۱) ... در حالی که مراجعان به ادراک معمولاً با ارائه عکس روتوش و پیرایش شده خود در به دست آوردن مدرک هویت توفیق می‌یابند. به همین لحاظ تلاش این مختصر آن است که به بررسی موضوع بسیار مهم احراز هویت از دیدگاه علمی و عملی بپردازد تا ضمن تبیین مواد مربوط به احراز هویت، سوء تفاهمات موجود مابین ارباب محاضر و مراجع قضایی و عامه مردم به نحوی رفع گردد. ان شاء الله.

طرح مسأله

قانونگذار در ماده ۵۰ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ مقرر می‌دارد: «هرگاه مسئول دفتر در هویت متعاملین یا طرفی که تعهد می‌کند تردید داشته باشد باید دو نفر از اشخاص معروف و معتمد حضوراً هویت آنان را تصویب نموده و مسئول دفتر مراتب را در دفتر ثبت و به امضاء شهرد رسانیده و این نکته را در خود اسناد قید نماید». بنابراین لازم است ابتدا معلوم گردد که تردید از دید لغوی، منطقی و اصولی چیست و در چه زمان تردید وجود دارد و حالت خلاف تردید که یقین محسوب می‌گردد چگونه است؟ نحوه وصول به یقین به چه نحو است و مجموعاً آیا فرض تخلف یا قصور در اخذ امضاء از غیر به شرط یقین در هویت امضاء کننده از ناحیه سردفتر متصور است یا خیر و حکم آن از دیدگاه روان شناسی منطق و اصول چیست؟

الف) بحث لغوی:

۱: تردید: تردید در لغت عبارتست از: "رد کردن، بازگرداندن، مردد بودن، دودل بودن" (۲). در این حالت فرد مردد بین دو یا چند امر است و فکر او گاهی به سمت یقین و گاهی به سمت وهم است. شک نیز به همین معنا است، «شک: گمان، خلاف یقین،

۱- سودرمن و اوکانل هاری و جان، پلیس علمی و کشف علمی جرائم، ترجمه یحیی افتخارزاده، تهران، هنر بخش، ص ۱۹۳.

۲- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، تهران امیرکبیر ۱۳۵۹، ذیل «تردید».

گمان بردن^(۱)». البته در این حالت شک به معنای خاص آن به کار برده نشده است
 ۲: شک: شک در اصطلاح فقها: «تجویز دو امر باشد که مزیتی برای هیچ یک از دو
 طرف نباشد، از جهت وجود دو امارت متساوی یا عدم امارت در هر دو یا جهتی
 دیگر...»^(۲)

بنابر این از حیث اهل لغت همان گونه که اهل منطق شک و گمان و تردید را استعمال
 کرده‌اند، تردید، حالتی است ما بین یقین و غیر آن به هر درجه که باشد.
 (ب) مراحل ادراک از نظر روانشناسی: ادراک از نظر روانشناسی عبارت است از:
 «احساس معتاداری یا سازمان‌دادن و ترکیب و تفسیر معلومات حسی بر اساس تجربه‌های
 پیشین»^(۳) ادراک هر موضوع دارای مراحل به شرح زیر است:

- ۱: سازگاری اعصاب گیرنده،
- ۲: سازگاری بدنی،
- ۳: تنش عضلات،
- ۴: سازگاری دستگاه اعصاب مرکزی،
- ۵: افزایش وضوح در میزان ادراک.

از آن جا که انسان در برخورد با اشیا و عوامل خارج از خود که از آن به دو
 «محرک‌های خارجی» تعبیر می‌کنیم تا مرحله ادراک و شناسایی، فرایندی را طی می‌کند
 و در هر مرحله ممکن است به لحاظ تداخل و اشکال در مراحل ادراک این فرایند دچار
 نقص شود، لازم است به اختصار به توضیح فیزیولوژیک فرایند ادراک پردازیم. البته
 پیشاپیش باید دانست که انسان در برخورد با چیزهای خارج دو نوع واکنش کلی انجام
 می‌دهد: اول پی به وجود آن می‌برد و دوم ادراک آن شیء رخ می‌دهد.

۱- همان، ذیل «شک»

۲- سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۲، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۶، ج

ص ۱۰۶۸

۳- شماری نژاد، علی اکبر. روانشناسی عمومی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۳، ص ۱۸۵.

۱. سازگاری اعصاب گیرنده: برای شروع فرایند ادراک ابتدا لازم است که عضو مربوط از لحاظ شروع عمل، خود را با موضوع خارج تطبیق دهد به نحوی که بتواند به حس موضوع پردازد. خیره شدن چشم‌ها بر روی یک موضوع، تنگی و گشادی چشم، و برگرداندن گوش به سمت محل صدا از این قبیل اعمال است.

۲. سازگاری بدنی: در مرحله دوم لازم است بدن آماده ادراک گردد. این مرحله به صورت سازگاری مجموع جسم و آغاز حالت مناسب برای به کارگیری عضو حساس است.

۳. تنش عضلات: در این مرحله ممکن است به لحاظ اشکالات و موانع بیرونی، فرد عضلات و وضعیت خود را به حالت خاصی در آورد تا بهتر بتواند به ادراک پردازد.

۴. سازگاری دستگاه اعصاب مرکزی: در فرایند مرحله چهارم، مغز در ادراک دخالت می‌کند و سبب توجه می‌شود.

۵. افزایش وضوح ادراک: توجه و دقت و تمرکز بر روی یک امر باعث افزایش وضوح ادراک از مسائل بیرونی می‌گردد.^(۱)

پس از طی تمامی این مراحل - در صورتی که خطاهای ادراک که در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت رخ ندهد - فرد می‌تواند محرک خارجی را ادراک کند و آن را بشناسد.

خطای ادراک: امروزه همه ما با خطاهای ادراکی بسیاری آشنا هستیم که مهم‌ترین آن‌ها خطای حسی است. هر یک از ما تجارب بسیاری از این گونه خطاهای حسی از قبیل خطای بینایی یا شنوایی داریم. هر یک از ما بارها در سالن‌های سینما شاهد نمایش فیلم‌هایی بوده‌ایم که همگی می‌دانیم از حرکت عکس‌های ساکن تشکیل شده‌اند یا در مراسم مختلف، شاهد عملیات تردستی و شعبده بازی بوده‌ایم که همگی از خطای باصره و سرعت تردست ناشی شده‌است.

"خطای مولر - لایر پدیده‌فای" نشان می‌دهند که آنچه درک می‌کنیم همیشه با آنچه در

مقابل ما است منطبق نیست. آنچه پدیده ثبات خوانده شده است، مثال دیگری از عدم انطباق ادراک با موضوع ادراک است.^(۱) البته خطاهای دیگری نیز در این باره وجود دارد، از قبیل خطا در تشخیص سمت و یا تأثیری که متن در ادراک می‌گذرد که هر یک در روند ادراک قابل توجه است؛ از جمله برای تشخیص اندازه، نیاز به وجود معیار و قرینه دیگری در کنار جسم مورد مقایسه است تا بتوان به حجم و اندازه واقعی جسم مورد مطالعه پی برد.

تأثیر تجربه در ادراک: آنچه ادراک می‌شود در بستری از حوادث و تجارب گذشته ملحوف و لحاظ می‌گردد. پارس یک سگ اثری در ذهن یک فرد می‌گذارد که با اثر به جامانده در ذهن فرد دیگر متفاوت است. این واکنش متفاوت ناشی از سابقه ذهنی و تأثیر خاطرات گذشته در ذهن فرد است که یکی را - برای مثال - وادار به فرار کرده، دیگری را آماده واکنش جدالی می‌کند و چه بسا سومی با پارس سگ در جای خود می‌خکوب گردد. "معنایی را که سیب ممکن است در دوره‌های مختلف رشد ذهنی کودک برای او داشته باشد در نظر بگیرید. قبل از این که کودک بتواند سیب را به صورت خوردنی ببیند ممکن است آن را مثل توپ برای بازی به او داده باشند. در این دو دوره سیب - مثل توپ - چیزی است که می‌توان آن را غلتانید و با آن بازی کرد. در این دوره ممکن است سیب مصنوعی و سیب طبیعی برای کودک یکسان باشد. وقتی طفل به مرحله‌ای رسید که بتواند سیب را بخورد، سیب برای او تصور تازه‌ای ایجاد خواهد کرد و به تدریج که کودک با درخت سیب و خواص سیب آشنا می‌شود، سیب برای او مفهوم و معنای دیگری پیدا می‌کند."^(۲) بدین ترتیب خطای ادراک تفسیر نادرست محرک حسی با واقعیت است^(۳) از مهم‌ترین ادوات و ابزار تشخیص و ایجاد ارتباط با جهان خارج، حس بینایی به همراه حس شنوایی است که آن‌ها را به علت اهمیت زیادی که در زندگی دارند حواس عالی می‌نامند.^(۴) احساس بینایی وسیله چشم صورت می‌پذیرد. فرایند

۱- همان، ص ۲۹۷

۲- همان، ص ۳۰۱.

۳- روان‌شناسی عمومی، ص ۲۰۰.

۴- همان، ص ۱۳۷

بینایی از عضوی به نام چشم آغاز و به مرحله ادراک بینایی ختم می‌شود که در این راستا علاوه بر دیدن و شناخت جسم که شامل شکل، اندازه و رنگ است، از حیث خود رنگ، درخشندگی و شفافیت و اشباع و سیری را نیز شامل می‌شود. تمامی احساس دیدن معمولاً با پیش زمینه‌های روانی و تجارب قبلی و قرینه‌های مبتنی بر آن منطبق است. مثلاً دیدن یک گربه که در فاصله‌ای نزدیکتر از یک اسب است از نظر فیزیولوژیک به یک اندازه ممکن است بینایی را تحریک کند، اما با قرائن و تجارب قبلی می‌دانیم که اسب از گربه بزرگتر است و این موضوع ارتباطی به وضعیت دیدن ندارد. بنابراین عوامل بسیار زیادی در اطراف و درون انسان وجود دارد که می‌تواند بر حس بینایی و شنوایی اثر بگذارد و باعث تغییر و تفسیر خاص و تغییر نحوه ادراک شیء - از طریق تشدید یا تضعیف دیدن یا شنیدن - گردد. «اگر از شخصی درباره مشخصات لباس شخص دیگری که مدت‌ها با او گفتگو کرده است سؤال شود، احتمالاً به طرزی عجیب اشتباه خواهد کرد.»^(۱) همچنین امکان دارد اشیای خانگی و اوضاع داخلی را که صدها مرتبه از نظر ما گذشته، ولی به نحو خاص توجه ما را به خود جلب نکرده‌اند، به گونه‌ای نادرست به یاد آوریم.^(۲) حتی عوامل محیطی و اجتماعی از قبیل زیستن در شهر یا روستا یا فقر یا ثروت نیز می‌تواند در ادراک مؤثر واقع گردد. برای مثال «انسان تربیت شده و با فرهنگ، در مقایسه با انسان تحصیل نکرده در اقامه شهادتی که مطابق با حقیقت باشد، کم‌تر دچار زحمت می‌شود و یک پیوستگی منطقی در بین اجزای کلامش وجود دارد».

شغل نیز می‌تواند در ادراک و شناسایی و تشخیص فرد اثر خاص بر جای نهد؛ چه افراد به منظور هماهنگی با شغل روزمره خود نیازمند آموزش و آگاهی متناسب با کار خود هستند و این آموزش، بخشی از فرهنگ و طبقه اجتماعی و نحوه نگرش آنان را سازمان و شکل می‌دهد. «اگر از کوچه‌ای بگذرید که در آن کفاشها به کار اشتغال دارند، فوراً خواهید دید که توجه آنها معطوف به بررسی کفشهای شما است. اگر با نقاشی به

۱- روان‌شناسی قضائی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۴،

۲- همان، ص ۳۱۵.

گردش بروید ملاحظه خواهید کرد که اثر روشنایی، او را بیشتر از ظرافت بساط یک جواهر فروش، به خود جلب می‌کند. این امر می‌تواند محدودیت میدان دید و دقت را در پی داشته باشد، به گونه‌ای که خود آگاهی در برابر محرک‌های مهمتر بی‌حس بماند.... نه فقط ادراک فرق می‌کند، بلکه حافظه نیز بر حسب شغل می‌تواند ظرفیت متغیری در نگهداری مطالب داشته باشد»^(۱).

بنابراین با بیان مطالب مذکور در مجموع دانسته شد که عمل دیدن در نزد دو فرد یکسان است اما، ادراک و تشخیص واقع در نزد آنان می‌تواند متفاوت و گوناگون باشد. بدین ترتیب احتمال وقوع خطای ادراکی در نزد سردفتر و تشخیص اشتباه در تعیین هویت افراد امری محتمل خواهد بود. این اشتباه می‌تواند یا ناشی از خود محرک (مثلاً فرد معامل) باشد یا ناشی از عوامل فیزیولوژیک فرد سردفتر در تطبیق چهره با عکس.

بررسی شناخت و ادراک از دیدگاه فلسفی و منطقی

از دیدگاه منطقی نیز ادراک و حس هر شیء دارای مراحل است که منتج به علم یا علم محسوس می‌گردد. از آنجاکه ارتباط مستقیمی بین این علم و علم مندرج در علم اصول وجود دارد، لازم است علم از دیدگاه منطقی بررسی شود و آنگاه علم اصولی بررسی گردد. هنگامی که در منطق صحبت از علم می‌شود، مقصود علم حضوری است؛ یعنی علمی که به نحو محسوس در نزد عالم حاضر می‌گردد. حصول امور خارجی در نزد عالم عبارت است از حضور ماهیت آنها در نزد او. این حصول به نحوی است که از آن، هم در طریق علم حصولی و هم علم حضوری^(۲) بعنوان اتحاد علم، عالم و معلوم در کتب فلسفه نام برده می‌شود. "... معلوم حصولی موجودیتش برای عالم است، خواه جوهری باشد که وجودش برای خودش هست، و یا وجودش برای دیگری باشد؛ و

۱- همان، ص ۳۱۹

۲- علم حضوری عبارتست از حضور وجود خارجی معلوم در نزد عالم، مانند علم به خود یا من و نیز علم

چون وجودش برای عالم است، لازم می‌آید عالم با معلوم متحد باشد.^(۱) این علم دارای خواصی است، از جمله این که علم، حضور یک مجرد در نزد مجرد دیگر است. این تعریف در جایی به کار خواهد آمد که به چگونگی حصول علم در نزد عالم پردازیم و در صورت خطا در وصول یقین توضیح دهیم چگونه صورتی دیگر پدیدار می‌گردد و این تغییر از یک علم در صورت شک و حصول علم جدید که به علم دیگری است از چه مقوله‌ای است. یکی از اقسام علم حصولی؛ علم حسی است. علم حسی یا احساسی علمی است که دارای موضوع خاص بوده، ارتباط با یک ماده خارجی دارد. در این نوع که به آن علم احساسی نیز گویند، علم احساسی از طریق ادوات احساس با معلوم خارجی تماس دارد. بدین ترتیب با احساس شیء و حاصل شدن و حضور حالتی در نزد فرد، نوعی صورت علمی مجرد به وجود می‌آید که صرفاً وجودی مجرد و خالی از ماده و اعراض تشخیص دهنده آن است.

اقسام علم حصولی

علم حصولی شامل تصور و تصدیق است.

“اگر مثلی رسم کنید، صورتی از آن در ذهن شما حادث می‌شود که این صورت عبارت است از علم شما به آن مثلث. این علم را تصور گویند. این فقط یک تصور است که هیچگونه نظر و عقیده‌ای راجع به آن ابراز نمی‌کنید... نیز اگر بخواهید دو زاویه قائمه را با مجموع زوایای مثلث بسنجید و از خود پرسید آیا مجموع زوایای مثلث با دو قائمه مساوی است و در آن شک کنید، صورتی از نسبت متساوی بین آن دو در ذهن شما بوجود می‌آید که آن هم یک تصور است حال اگر در مورد تساوی مجموع زوایای مثلث با دو قائمه استدلال گردد، حالت تازه‌ای در ذهن شما پدید می‌آید که با حالات سابق که آنها را تصور نامیدیم متفاوت است. این حالت جدید عبارت است از ادراک شما در

۱- طباطبایی، علامه سید محمد حسین، بدایة الحکمة، ترجمه علی شبروانی ج ۲، قم، انتشارات دارالعلم،

مورد مطابقت نسبت با واقع که مستلزم حکم ذهن و اذعان به آن مطابقت و تصدیق آن است. این حالت، یعنی صورت مطابق با واقع که آن را تعقل و ادراک کرده‌اید، تصدیق نامیده می‌شود.

اقسام تصدیق: همان‌گونه که قبلاً دانستیم تصدیق عبارت است از تصویری که به حکمی ضمیمه است. این تصدیق یا مطابقت نسبتی با واقع از لحاظ مطابقت دارای دو قطب است که بین این دو قطب مراحل مختلفی از حیث تشکیک وجود دارد. بالاترین مرحله تصدیق و مطابقت عبارت است از یقین و قطب دیگر آن عبارت است از ظن...^(۱)؛ زیرا تصدیق ترجیح یکی از دو طرف خبر، یعنی وقوع و لاوقوع است، چه یکی از طرفین محتمل باشد چه نباشد اگر این ترجیح توأم با نفی قطعی طرف دیگر باشد، تصدیق از نوع یقین است و اگر با احتمال طرف دیگر همراه گردد از نوع ظن است^(۲).

بدین ترتیب گاهی یک طرف خبر اعم از احتمال وقوع یا عدم آن با قطع و یقین جازم، امکان دارد که آن را گوئیم و در صورتی که احتمال وقوع با عدم وقوع وجود داشته باشد، سه وضعیت پیش می‌آید:

(۱) هر دو طرف در احتمال مساوی‌اند، (۲) یک طرف رجحان دارد، (۳) طرف رجحان به جانب وقوع خبر است یا به طرف عدم وقوع آن. از این سه حالت، حالت اول «شک» است، یعنی احتمال حد وسط به وقوع یا عدم وقوع آن؛ حالت دوم «ظن» است که احتمال وقوع بیشتری - بیش از پنجاه درصد - دارد و حالت سوم که در آن، احتمال اصابت به واقع کم‌تراست و «وهم» نام دارد. هیچ یک از تصدیقات رایج جهان که برای رفع حوائج زندگی روزانه - که بعداً به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت - به کار می‌روند خارج از چهار حالت فوق نیست؛ چه هنگامی که فردی سخنی می‌گوید یا فعلی انجام می‌دهد، مبتنی بر استنتاجات و پیش فرض‌هایی است که به یکی از طرق منطقی فوق منتهی می‌گردد. این که صبح از خانه در آیم به این اعتبار که صبح است یا آموخته‌های یقینی

۱- مظفر، محمد رضا، منطق، ترجمه منوچهر صانعی ج ۲، تهران، ۱۴۰۶ ه.ق، ص ۱۸

۲- همان، ص ۲۲.

خود را به کار اندازیم؛ یا اعتقاد به وجود کشوری داشته باشیم که فقط از آن چیزی به طریق تواتر شنیده‌ایم؛ یا شیر آب را باز می‌کنیم و اطمینان داریم آب بهداشتی از آن بیرون می‌آید که مضر حال نیست، همگی مبتنی بر استنتاجات منطقی و حصول یکی از حالت‌های چهارگانه فوق است. علم به روشنایی روز و صبح بودن بدون احتمال خلاف آن، نوشتن مقالات در باب سایر کشورهایی که ندیده‌ایم، ولی احتمال عدم آن کشور را حتی به اندازه سر سوزنی نمی‌دهیم، همگی ناشی از کارکرد فکر منطقی و روند تصور و تصدیق است.^(۱)

علم و جهل از دیدگاه اصول

با حصول تصور و پدید آوردن ذهنیتی در فرد آیا وی می‌تواند به آن ذهنیت عمل کند؟ بحث از حجیت در این جا لازم است. حجیت عبارت است از "هر چیزی که متعلق خود را اثبات می‌کند، لکن به درجه قطع نمی‌رسد"^(۲).

حجیت در این معنا اعم است از اقسام ظن خاص و غیر آن از قبیل نحوه عمل در موارد شک. همان‌گونه که گفته شده است این‌گونه ظنون به درجه علم نمی‌رسند، زیرا حجیت علم ذاتی بوده و نیاز به اثبات دلیل دیگری ندارد. بدین ترتیب "علم دارای آنچنان دلیل اثباتی است که حتی نیاز به جعل شدن از سوی شارع نیز ندارد، بلکه عقل به وجوب پیروی از آن چیز حکم می‌کند و آنچه چنین شأنی دارد جزء علم نیست"^(۳). موردی که لازم است به آن اشاره شود این است که مقصود از علم قطع است. قطع ذاتاً حجیت دارد و حکایت از انکشاف واقع و وصول قاطع به ساحت حق می‌کند و حجیت آن

۱- از اینجا آن داستان مشهور به یاد می‌آید که فردی فیلسوف و منطقی در پاسخ فرزند خود که از فایده منطقی می‌پرسد وی را به بازار فرستاد تا کاربرد آن را ببیند، لیکن در بازگشت فرزند به زعم خود هیچ ندیده بود، چه تشخیص کاربرد اصول منطقی در زندگی روزمره به قدری به بدیهیات روزانه وابسته است. که گاه تشخیص آن سهل ممتنع است.

۲- مظفر، محمدرضا، اصول فقه، ترجمه علیرضا هدایی، تهران، حکمت، ج ۲، ۱۳۶۹، ص ۸.

۳- همان، ص ۱۷.

مجموع شاری، مصنوع قانونگذار و تابع دستور آمر وبانی شریعت نیست.^(۱) قطع به هر نحوی که برای فرد حاصل شود مفید است، چه در غیر این صورت امور روزمره جامعه مختل خواهد گردید و همان گونه که قبلاً اشاره شد بدون قطع به امور که از ابتدایی ترین مراحل زندگی فرد شروع می شود و به آن وابسته است تا انجام یافتن امور روزانه جامعه تماماً بستگی به تعدادی قطع و جزم دارد. اما از آن جایی که حتی این مقدار از علم نیز ممکن است در امور روزانه فرد و جامعه حاصل نباشد و به لحاظ فقدان علم و قطع، نمی شود امور فرد و اجتماع معطل بماند، بعضی از ظنون نیز از قبیل علم محسوب شده است،^(۲) حتی در امر مهم قضا که بحث از دماء و آبروی مسلم است. بدیهی است با بنا نهادن امور بر ظن و شک و تردید نمی توان امور فردی و اجتماعی را گرداند و تکلیف همچنان باقی خواهد ماند. از سوی دیگر، به حکم عقل و شرع و از روش و طرق معمول و قابل قبول عقلای قوم یا احکام بیان شده شرعی باید به بعضی ظنون که مبتنی بر ظاهر قابل قبول جامعه است اعتماد و تکیه کرد. قرائن و اماراتی که از لحاظ شرعی حجیت دارند، در تقسیم اول دو نوعند: یا قرائن و اماراتی هستند که حجیت آن ها مسبوق به جعل شارع است و عقل در کیفیت نفوذ و نحوه تأثیر آن ها راه ندارد و شارع با هدف رفع عسر و حرج یا به مصلحت امور واقعی مکلفان برای آن قائل شده است؛ مانند حجیت ظواهر اخبار و آیات، حجیت اجماع منقول، حجیت قرائن و امارات حجیت خبر واحد و شهره یا آن قرائن و اماراتی که (نوع دوم) عقلاً حجیت دارند، مانند دلیل انسداد که عقل به اعتبار ظن در حال انسداد دلیل حاکم و مبین تکلیف است^(۳)، برای مثال قانونگذار با استفاده از قاعده ید در ماده ۱۱ قانون ثبت، تصرف را دلیل بر مالکیت دانسته و اظهارنامه را در محل ملک توزیع و از متصرف آن می پذیرد؛ در حالی که همه می دانیم

۱- شفائی، محسن، ملاک اصول استنباط، ج ۷، ۱۳۵۵، ص ۱۴

محمد جواد مغنیه در کتاب ارزشمند خود - فقه الامام جعفر صادق (ع) - دلیلی را که برای عمل به غیر علم ظن خاص - می آورد این است که امورات و مطالع اجتماع متوقف خواهد گردید.

بسیاری از اموال در دست افراد است، اما تعلق به متصرف ندارد و چه بسا ذوالید غاصب مال باشد؛ اما قانونگذار معمول‌ترین و عملی‌ترین راه را که استفاده از ظاهر معمول است پذیرفته است.

ظهور: در بیان معنای ظاهر آمده است: "الظاهر ما یوجب الظن"^(۱). البته ظاهری که بر پایه ظن نهاده شده و خصیصه ظن بودن آن در عرف و عادت، محفوظ مانده باشد. خلاف ظاهر غیر مأمون که علی‌الاصول حجت نیست مگر در چند مورد خاصی که نص بر حجیت آن جود دارد مانند ظاهر خراص^(۲) لیکن ظاهر مأمون از آنجایی که موجب امنیت خاطر برای انسان می‌گردد به طریق ظهور الفاظ، اجتماع عبارات، اعمال و اشیا و احوال که همگی مفید علم است ظن خاص یا ظاهر مأمون نامیده می‌شود و می‌توان در امور روزمره و جاری جامعه به آن استناد و عمل کرد^(۳). البته بدیهی است عمل به ظن مأمون یا ظن خاص یا حتی علم و قطع ممکن است به واقع اصابت نکند. به هر حال در این حالت نیز ممکن نیست در ذهن فرد دو حالت و دو علم، برای مثال، به این که هم اکنون قطعاً هم روز است و هم شب حاصل شود. ممکن است فرد قاطع یا عالم در علم خود اشتباه کند، ولی اصلاح آن به صورت قطع بعدی است که حالت خلاف آن برای فرد حاصل می‌گردد و در حقیقت بدین طریق علم مورد حصول تصحیح می‌گردد.

"بدین ترتیب دانسته شد که به هر حال، مراد و مقصود از علم، قطع است، یعنی جزمی که احتمال خلاف ندارد و در آن شرط نیست که فی نفسه مطابق با واقع باشد، هر چند شخصی قاطع در نظر خود آن را جز مطابق با واقع نمی‌بیند." پس قطعی که پیروی از آن واجب است، اعم از یقین و جهل مرکب است.^(۴) در غیر این صورت، یعنی عدم عمل به علم از ناحیه فرد جازم لازم می‌آید که فرد بعضاً متجری محسوب گردد "تجری در

۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ دایرة المعارف علوم اسلامی قضایی، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۳، ج ۲، ص

۲- همان، ص ۸۷۸

۸۸۷

۳- برای مطالعه بیشتر ریشه‌های روایی مورد اخیر مراجعه شود به همان مأخذ، ذیل بحث ظاهر- ظاهر مأمون

۴- اصول فقه، ص ۱۷.

و خبر ابی بصیر.

اصطلاح اصول عبارت است از اعراض از قطع و خودداری از عمل به مقتضای قطع و مخالفت با آن؛ برای مثال اگر کسی علم قطعی پیدا کند که محتوی شیشه‌ای شراب است و بداند که شراب هم حرام و شارب آن گناهکار است، اما بنوشد گناهکار و متجری است" (۱).

ج) تردید مطرح در ماده ۵۰ قانون ثبت: با مطالب پیش گفته شده و مقدمات مذکور اینک به بررسی وضعیت سردفتر و تطبیق ماده با هر یک از موارد پیش گفته می‌پردازیم. روشن است که در مراجعه افراد به دفاتر اسناد رسمی عموماً مدارکی از قبیل شناسنامه جدید جمهوری اسلامی، مهور به مهر ادارات ثبت احوال^(۲) و نیز مدارک مالکیت ارائه می‌گردد و ثبت سند در یک لحظه صورت نمی‌پذیرد، بلکه در بسیاری از موارد روزهای متوالی ممکن است افراد به دفترخانه برای دریافت استعلامات و نیز تسلیم مدارک، و پرداخت هزینه‌های قانونی ثبت سند مراجعه کنند و در این حالت، فرد به ادارات مختلفی در مراجعه می‌کند که متأسفانه مسئول نهایی اخذ امضاء از غیر که عموماً می‌تواند حتی با ادعای واهی در این مورد همراه باشد، سردفتر است.

تشدید وضعیت اخیر خصوصاً به لحاظ ترقی چندین صد برابر قیمت اموال و نیز امکانات پیچیده جعل و سرقت اسناد سفید امضا شده از مراجع مختلف خطر طرح شکایت از سردفتر را به لحاظ جعل افزایش داده است.^(۳) در هر حال فعل و انفعالات ذهنی سردفتر در مراجعه افراد به دفترخانه و ارائه اسناد و مدارک هویتی و مالکیت به دو صورت می‌تواند باشد: یا علم و یقین، یا تردید.

۱- ملاک اصول استنباط، ص ۱۹.

۲- اگر چه مورد مذکور نیز متأسفانه به لحاظ مفقود شدن تعدادی شناسنامه سفید مهر از ادارات مختلف ثبت احوال، وضعیت خطرناکی را به وجود آورده که می‌توان به مواردی همچون استفاده از هویت دیگری در ادارات و دفاتر اسناد رسمی و نیز مقیمان غیر قانونی که حائز اهمیت امنیتی است و لازم است به طور جدی در این خصوص پیگیری ویژه به عمل آید.

۳- گاه مشاهده شده بستگان فرد با همراهی، مالک قبلی به دادگستری مراجعه و دادخواست صدور حکم حجر نیز داده‌اند تا بنای معامله ای را مخدوش سازند.

در حالتی که فردی به دفترخانه مراجعه و با ارائه شناسنامه و توسل به یک سلسله تدابیر و روش‌های متقلبانه و با در دست داشتن اسناد مالکیت و ارائه آن هویت خود را به دروغ مطرح و در ذهن سردفتر تثبیت می‌کند. به نحوی که برای سردفتر علم و یقین حاصل می‌گردد که هویت واقعی همان است که ابراز می‌گردد. نوعی علم برای سردفتر حاصل می‌شود که از قبیل همان علمی است که ذاتاً حجیت دارد.

در این حالت ذهنیتی خلاف آنچه که سردفتر به آن علم یافته است وجود ندارد و بدین ترتیب علم مذکور دارای حجت است و در آن شرط نیست که فی نفسه مطابق با واقع باشد، هر چند شخص قاطع در نظر خود آن را جز مطابق با واقع نمی‌بیند^(۱). بدین ترتیب حالت ذهنی قطع حاصل شده، خود ملاک و معیار است، اعم از این که این قطع، جهل مرکب باشد یا یقین واقعی^(۲).

در حالت دیگر تردیدی در ذهن سردفتر یافت می‌شود که لازم است درباره آن به طریق ماده ۵۰ قانون عمل گردد.

البته نظر به این که مستفاد از ماده ۵۰ قانون ثبت به شرح مذکور، اخذ معرف یا آن‌گونه که قانون بیان می‌کند "شاهد" در صورتی است که تردید برای سردفتر حاصل گردد، در حالی که تردید همان‌گونه که قبلاً گفته شد به معنای شک - یعنی احتمال ۵۰ درصدی و واسط میان اعتقاد به امری یا عدم آن - است، یعنی در صورتی که ظن برای سردفتر حاصل گردد با توجه به قرائن که همان در دست داشتن اسناد و مدارک هویتی ارائه شده از جانب متقاضی ثبت سند و نیز مدارک مالکیت در ید ارائه دهنده مدارک است می‌توان آن را قرائنی دال بر مالکیت دانست، زیرا مراجعه مکرر افراد به دفاتر که معمولاً به وسیله مالک انجام می‌گردد و ارائه مدارک نیز به وسیله مالک صورت می‌پذیرد همگی قرائنی هستند که دلالت بر مالکیت فرد دارند.^(۳) در این حال سایر مسائل مبتلا

۱- اصول فقه، ص ۱۷.

۲- مهم نیست که نحوه وصول و حصول علم چگونه است.

۳- در امر مهم و حیاتی فضا تمامی قرائن که متصل به واقعه مورد دعوی هستند می‌توانند به عنوان راه حصول

در احراز هویت را نیز نباید از نظر دور داشت. اشتباه در تشخیص و فرایند شناخت افراد که امری است روانی و درک صحیح و تطبیق عکس‌هایی که نوعاً پیراسته و رتوش شده هستند نیز از دیگر عواملی است که می‌تواند موجب اشتباه سر دفتر در تعیین هویت واقعی افراد گردد. به علاوه باید به یاد آورد قانون ثبت در سال ۱۳۱۰ به تصویب رسیده و در آن هنگام جمعیت شهر تهران قریب به یکصد و هشتاد هزار نفر بوده است و به لحاظ وضعیت خاص اجتماعی و شغلی معمولاً تحرک در محلات و سطح شهر بسیار کم بوده، به نحوی که افراد یکدیگر را تقریباً می‌شناخته و با یکدیگر آشنا بوده‌اند. در آن زمان ساده بودن مشاغل و نحوه زندگی باعث می‌شده تا افراد فرصت بیشتری برای گذراندن اوقات فراغت یا رها شدن از زمان کار داشته باشند و این خود باعث می‌شده تا اولاً افراد یکدیگر را در محلات شناسائی نموده و ثانیاً به وقت نیاز که بعضاً بسیار نادر می‌بود برای تعرفه یکدیگر در دفاتر حاضر و ذیل ثبت سند را امضا کنند.

با توجه به وضعیت موجود در حال حاضر تعرفه افراد به صورت همراه کردن دو نفر به عنوان شاهد عملاً نه فقط ممکن نیست، بلکه با توجه به نیاز روز افزون جامعه به تنظیم اسناد رسمی به عنوان دلیل قبل از دعوی و اختلاف، تعرفه اشخاص به صورت مندرج در ماده ۵۰ خود مانع جری قانونی و تنظیم سند رسمی است که نیاز به آن روز به روز در جامعه کنونی ما بیش‌تر احساس می‌گردد.

نتیجه: اگر بپذیریم قانون به عنوان یک پدیده اجتماعی همچون سایر پدیده‌ها بر اثر نیاز و در ظرف زمان بوجود می‌آید و رشد می‌کند و چه بسا نیازهایی حادث شده و از بین می‌روند با توجه به شرایط جدید، قانون که باید تسهیل‌کننده کارکرد هر چه بهتر

به علم تلقی گردند؛ چنان که مذکور است "هذه القرائن لاندخل تحت ضابط عام، ولا یجمها قاسم مشترک لانهما تختلف باختلاف الدعاوی و المتداعین و لاریب فی جواز القضاء بالعلم الناشی و منها (مغنیه، محمد جواد، فقه الامام جعفر الصادق، قم، انتشارات قدس محمدی، ص ۱۳۵). بدین ترتیب با اتخاذ وحدت ملاک شاید بتوان گفت ارائه مدارک و مستندات که نوعاً از جانب مالک صورت می‌پذیرد قرائنی است که دلالت بر مالکیت مالک دارد.

جامعه باشد، در عمل، مانع و رادعی می‌شود بر سرراه کارکرد جامعه، و اجتماع عملاً از بکار بستن آن قانون خودداری می‌کند که نسخ و مرگ عملی قانون است. در صورتی که با این دیدگاه به قوانین مصوب گذشته بازنگریم، از جمله قوانینی که نیاز به اصلاح و بررسی مجدد دارد، قوانین ثبتی است؛ چه با گذشت بیش از ۶۰ سال از تصویب قانون ثبت اسناد و املاک خصوصاً ماده مورد بحث و با در نظر گرفتن این که عملاً بلاد کبیره‌ای همچون تهران که حرکت از غرب به شرق آن مسافرت محسوب می‌گردد و با توجه به اختلاط و امتزاج گروه‌های مختلف اجتماعی در جغرافیای شهری و نیز لوازم و وسایل جدید جعل اسناد و مهارت شگرف جااعلان در جعل مهرها و اسناد - با بهره‌گیری از بهترین تکنولوژی‌های فنی از قبیل رایانه و دستگاه‌های فتوکپی رنگی که در کشوری همچون آلمان میلیون‌ها مارک جعلی با استفاده از آن‌ها تهیه می‌شود - احراز هویت قبل از آن که عملاً به طریق ماده ۵۰ و مواد بعدی ممکن باشد، نیازمند اصلاح اساسی سیستم‌های تعیین هویتی افراد است. از سویی یک سردفتر حتی بارعایت و علم به شرایط ماده ۵۰، ۵۱ و ۵۲ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ هرگز نمی‌تواند خود را ایمن از جااعلان و پیامدهای مسئولیت جزایی و مدنی و اداری آن بداند و از سویی دیگر افراد نوعاً با ارائه شناسنامه، این سند هویتی در مقابل مطالبه معرف و اکنشی تند و بعضاً انتقاد از قوانین کهنه از خود نشان می‌دهند؛ چه شناسنامه به عنوان سند تعیین هویت افراد در نزد عامه مردم دارای آنچنان اعتبار و ارزشی است که مطالبه معرف علاوه بر شناسنامه برای افراد جامعه سخیف به نظر می‌رسد. همچنان که به هر حال نظر مراجع محترم قضائی را به این نکته باید جلب کرد که حتی بر فرض این که سردفتری در حالت شک اقدام به اخذ شاهد و معرف نکند و در حالت شک از طرفین امضا اخذ کند فقط می‌توان وی را مقصر اداری از حیث عدم اجرای قانون دانست و اطلاق و حمل مواد ۱۰۰ و سایر موارد مربوط به جعل قانون ثبت نیازمند احراز سوء نیت و تعمد و قصد ارتکاب بزه مندرج در مواد قانونی و علم و آگاهی کامل سردفتر از اولاً هویت واقعی امضاکننده و ثانیاً سایر شرایط لازم برای عنوان مجرمانه ماده مذکور است که بدیهی است امری فراتر از صرفاً بی احتیاطی و عمل به شک ساده و تخلف اداری است،

همچنان که هرگز نمی‌توان راننده بی احتیاطی را که اقدام به عبور از محل ممنوع نموده و منجر به ایراد صدمه غیر عمد منتهی به فوت شده‌است، به عنوان قتل عمد تحت پیگیری قرار داد.

امروزه با توجه به نیاز روزافزون به سند رسمی در معاملات و تأکید هر چه بیشتر تر قانونگذار بر مردود شناختن بعضی از نقل و انتقالات بوسیله سند عادی نمی‌توان انتظار داشت که افراد به همراه خود با دو معرف، آن هم دو معرف معتمد سر دفتر در شهری هفت میلیونی حرکت کنند، معتمدی که مورد شناسایی سر دفتر بوده همچنین طرفین معامله را بشناسد، زیرا بعضاً تعلیق امر بر محال خواهد بود. در سال ۱۳۱۰ ممکن بود در شهر یکصد و هشتاد هزار نفری تهران، سر دفتر معرف‌ها و متعاملین را شخصاً بشناسد، اما در سال ۱۳۷۶ نیز می‌توان چنین انتظاری از سر دفتر داشت؟ شاید بتوان فلسفه معرفین را در زمان تصویب قانون چنین بیان کرد که به لحاظ مدت قلیلی که از تصویب قانون سجل احوال در سال ۱۳۰۷ گذشته بود و نیز زمان تقریبی تدوین و پیدایش قانون ثبت که از ۱۲۹۰ شروع و تا اسفند ماه ۱۳۱۰ به طول می‌انجامد و تنظیم پیش‌نویس قانون اخیر اشاره ثبت که ۱۳۰۹ بوده احتمالاً افراد بسیاری فاقد شناسنامه بوده‌اند.^(۱) لیکن امروزه پذیرش ماده مذکور و عمل به آن در شرایط فعلی به نحو مندرج در قانون بسیار مشکل می‌نماید و در صورتی که امکانات فنی موجود و موضوع مهم هویت افراد و امکان جعل اسناد و سرقت‌های مکرر شناسنامه‌های سفید مهور به مهر ادارات ثبت احوال^(۲) و نیز خطای انسانی و آدارکی و روانی سر دفتر را ممکن بدانیم پیشنهاد می‌گردد:

۱: شناسنامه و کارت هویت بشرح مندرج در قانون ثبت احوال به عنوان تنها مدرک

۱- مراجعه شود به مجموعه فهرست عناوین قوانین و مقررات ۱۲۸۵-۱۳۶۲ از انتشارات اداره کل تنظیم و

تدوین قوانین و مقررات نخست وزیری سابق جلد سوم صفحه ۱۵۱۱.

۲- از جمله بخشنامه $\frac{۱۰۱/۲۵۳۸۴}{۷۴/۹/۲۴}$ که ثبت احوال اعلام کرد تعداد متناهی شناسنامه سفید مهر شده به سرقت

رفته‌است.

احراز هویت افراد پذیرفته شود.

۲: با تهیه کاغذهای مارک دار ویژه و نیز اتخاذ تمهیداتی همچون قابل قرائت ساختن کارتهای هویت با دستگاههای ویژه رمز خوان و کد دار کردن این قبیل کارت‌ها و کشیدن چسب‌های ویژه و ممهور ساختن عکس‌ها با مهرهای برجسته، از جعل شناسنامه جلوگیری می‌شود یا این امر به حداقل می‌رسد.

۳: هر فرد موظف و مکلف باشد گواهی مبنی بر تعیین هویت خود - ممهور به مهرحوزه انتظامی محل اقامت در پشت عکس‌ها - را طی نامه‌ای به ادارات ثبت احوال مربوطه برای عکس‌دار کردن شناسنامه و سایر اوراق هویتی خود ارائه دهد و شناسنامه با درج بازگشت به نامه حوزه انتظامی مربوط در آن صادر و تسلیم گردد تا مسئولیت تحقیق و احراز هویت افراد معلوم و مشخص باشد.

۴: در قسمتی از شناسنامه محلی برای اخذ و اثر انگشت تعیین و امضا مسلم الصدور افراد برای دعاوی بعدی مندرج در شناسنامه باشد.

۵: ادارات ثبت احوال از قبول عکس‌های رتوش شده و قدیمی در الصاق به شناسنامه‌ها خودداری کنند و فقط عکس‌های جدید و معمولی با کلیه علائم شناسایی و علائم ویژه را بپذیرند.

و سخن آخر آن که سردفتر همچون سایر انسان‌ها، با وسایل و لوازم عادی به احراز هویت می‌پردازد و در این روند امکان خطا و اشتباه بسیار است. دو قلوهای همسان، عکس‌های رتوش شده، شناسنامه‌های مجعول از سویی و از دیگر سو امکانات فریب مسئولان ادارات ثبت احوال به لحاظ مسائل مطروح قبلی، همگی امکان ابزار هویت جعلی را برای افراد به وجود می‌آورند که نهایتاً متأسفانه مسئولیت آن سرانجام بر عهده سردفتر است. برای جلوگیری از ابراز هویت جعلی که هم اصالت و اعتبار اسناد را مخدوش می‌کند و هم مشکلات امنیتی برای امنیت کشور ایجاد می‌سازند، ضرورت دارد که روش‌های کهنه و دیرین با ابزارهای نو تطبیق یابد و با مطالعه اساسی در سیستم تعیین هویت افراد و امکان پیگیری لحظه‌ای وضعیت چهارگانه احوال شخصیه افراد به وسیله رایانه و غیر آن، جامعه را به امنیت و آسایش فکری برسانیم. انشاءالله.

